

اثر تعاملی مکمل سازی تورین و پروتکل های تمرینی شدید بر پاسخ سایتوکاین های التهابی (IL-6 و TNF- α) در بازیکنان نخبه فوتبال

حسین شیروانی¹، فاطمه رستم خانی²، وحید سبحانی³

1- نویسنده مسئول: استادیار مرکز تحقیقات فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه اله (عج)، تهران، ایران، پست الکترونیکی: Shirvani122@yahoo.com

2- استادیار گروه زیست شناسی، دانشکده علوم پایه، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

3- استادیار مرکز تحقیقات فیزیولوژی ورزشی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه اله (عج)، تهران، ایران

تاریخ دریافت: 93/6/30

تاریخ پذیرش: 93/9/20

چکیده

سابقه و هدف: در فوتبال حرفه ای گاهی در یک هفته سه مسابقه فوتبال برگزار می شود. از آنجا که فوتبال یک فعالیت ورزشی نسبتاً شدید می باشد ممکن است پاسخ های التهابی سیستم ایمنی را به دنبال داشته باشد لذا مصرف مکمل های تغذیه ای ممکن است به بازیافت سریع تر کمک کند. بر این اساس هدف از این تحقیق بررسی تأثیر دو هفته مصرف مکمل تورین و اجرای سه جلسه فعالیت تناوبی شدید 90 دقیقه ای بر پاسخ برخی سایتوکاین های التهابی در بازیکنان نخبه فوتبال بود.

مواد و روش ها: بیست و چهار بازیکن فوتبال از رده زیر 21 سال انتخاب و به طور تصادفی به سه گروه مساوی تقسیم شدند. گروه تورین در طول روز، سه وعده 1/5 گرمی مکمل تورین و گروه دارونما به همین میزان آسپارتام دریافت نموده و هر دو گروه در روزهای معین به اجرای سه بار پروتکل 90 دقیقه ای ویژه فوتبال پرداختند، در حالی که گروه کنترل هیچ مکملی را دریافت نکرده و فقط برنامه عادی خود را پیگیری می کردند. نمونه های خونی از آزمودنی ها در شش مرحله (48 ساعت قبل از شروع دوره، قبل و بلافاصله بعد از اجرای پروتکل ورزشی اول، قبل و بلافاصله بعد از اجرای پروتکل ورزشی سوم و 48 ساعت بعد از پایان دوره) گرفته شد. جهت مقایسه میانگین ها در هر گروه از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه با اندازه گیری های مکرر و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

یافته ها: نتایج هر مرحله نشان داد که مقادیر IL-6 و TNF- α سرم بلافاصله پس از اجرای پروتکل های تمرینی (در مرحله 3 و 5) افزایش معنی دار یافته است. در حالی که بررسی توأمان مراحل و گروه ها نشان داد که مقادیر IL-6 افزایش معنی دار ($P=0/029$) پیدا کرده است که این معنی داری مربوط به گروه کنترل و گروه دارونما ($P=0/043$) می باشد. همچنین مقادیر TNF- α نیز اختلاف معنی دار ($P=0/013$) داشته است که در گروه کنترل و گروه دارونما ($P=0/008$) مشاهده شده است.

نتیجه گیری: به نظر می رسد که اجرای سه بار پروتکل 90 دقیقه ای ویژه فوتبال در هفته، فشاری را بر سیستم التهابی بازیکنان فوتبال وارد می سازد که چنین فشاری در طول فصل مسابقات ممکن است بارها تکرار شود. از طرفی نتایج نشان داد که مصرف مکمل تورین قبل و در حین این دوره پرفشار تأثیر ضد التهابی داشته و از ایجاد تغییرات محسوس سایتوکاین های مذکور جلوگیری کرده است. از این رو می توان مصرف کوتاه مدت مکمل تورین را در هفته های پر فشار مسابقه و تمرین به بازیکنان نخبه فوتبال توصیه کرد.

واژگان کلیدی: پروتکل ورزشی ویژه فوتبال، مکمل تورین، اینترلوکین 6، فاکتور نکروزدهنده تومور آلفا

• مقدمه

ایمنی و مهاجرت آنها می شوند، همچنین واکنش های فاز حاد و استرس را شروع و تقویت می کنند و سبب تبزایی (Pyrogenesis) می شوند (2). بنابراین سایتوکاین ها در محل التهاب ناشی از آسیب بافتی یا پاتوژن رها می شوند که ورود نوتروفیل ها، منوسیت ها و دیگر سلول های درگیر در پاکسازی

سایتوکاین ها پلی پپتیدهای گلیکوزیله می باشند که به وسیله بسیاری از سلول های بدن آزاد می شوند (1). سایتوکاین های پیش التهابی از قبیل: اینترلوکین شش IL-6 (Interleukin-6) و فاکتور آلفای نکروز تومور TNF- α (Tumor Necrosis Factor- α) باعث تعدیل عملکرد سلول های

رادیکال آزاد و افزایش سایتوکاین ها و دیگر ملکول های التهابی مشخص می شود (14). بنابراین توانایی بازیکنان فوتبال برای بازگشت کامل به حالت اولیه، قبل از مسابقه اصلی بعدی برای حفظ عملکرد و پیشگیری از آسیب امری حیاتی است (14). از این رو در سالیان اخیر به کار بردن راهبردهایی جهت برگشت سریع تر بازیکنان در دستور کار بوده است که یکی از مهم ترین آنها استفاده از مکمل های غذایی است.

تورین (2- آمینو اتان سولفونیک اسید) جزء اسیدهای آمینه "ضروری برحسب شرایط" است، چرا که مستقیماً می تواند از طریق غذا دریافت شود و از طرفی بدن از طریق تجزیه اسیدهای آمینه ای مثل سیستئین و میتونین می تواند آن را بسازد (15). بافت های از قبیل قلب و عضله بیشترین ذخیره تورین را دارا می باشند (16). تورین نقش های فیزیولوژیکی متعددی از قبیل: تثبیت غشاء، تنظیم اسمزی و تعدیل عملکرد ایمنی را در سلول به عهده دارد همچنین تورین می تواند لکوسیت ها را راه اندازی و رهایش سایتوکاین التهابی زای IL-6 را تنظیم کند (16، 15). تحقیقات نشان داده اند که مکمل سازی تورین ترشح $TNF-\alpha$ را دچار تنظیم کاهشی می کند و نیز می تواند نقش ضد اکسایشی و ضدالتهابی داشته باشد (17). در تحقیقی مقایسه ای Van den و همکاران در بین بازیکنان فوتبال آسیب دیده (ارزیابی آسیب از طریق پرسشنامه) نشان دادند که اگرچه مقدار تورین پلاسما در هر دو گروه طی یک فصل 10 ماهه افزایش یافت ولی تفاوتی بین بازیکنان آسیب دیده و غیر آسیب دیده از لحاظ مقدار تورین پلاسمایی وجود نداشت (18). به علاوه در تحقیقی روی ورزشکاران المپیک ورزشکاران سه گروه، مشخص شد زنان ورزشکار جودوکاری که خستگی شدید را تجربه کرده بودند در مقایسه با ورزشکاران دومیانی کار سرحال (بدون خستگی) مقدار تورین پلاسمایی بیشتری داشتند. به علاوه بعد از المپیک مقدار تورین پلاسمایی بالاتری داشتند. بعد از المپیک مقدار تورین پلاسمایی ورزشکارانی که خستگی شدید داشتند، به نحو معنی داری کاهش یافت. به علاوه در یک ارزیابی مقایسه ای بین ورزشکاران بدون عفونت و ورزشکاران با عفونت مشخص شد که تفاوتی از لحاظ غلظت تورین پلاسمایی بین این دو گروه وجود ندارد (19).

در مجموع، تحقیقات اندکی به ارزیابی پاسخ سایتوکاینی به یک یا دو مسابقه و یا آزمون های مشابه فوتبال پرداخته اند اما تا کنون هیچ مطالعه ای پاسخ سایتوکاین ها را به اجرای سه آزمون 90 دقیقه ای ویژه فوتبال در فواصل 48 ساعت از هم و طول یک هفته بررسی نکرده است. از طرفی تا به حال اثر

آنتی ژن را تسهیل می کنند و سبب بهبودی بافت می شوند (3). مشخص شده فعالیت ورزشی عضلانی برخی سایتوکاین های پلاسمایی را افزایش می دهد (2-5). در این میان، بازیکنان فوتبال در مقایسه با ورزشکاران سایر رشته های ورزشی انفرادی که روزهای اندکی را در سال به رقابت می پردازند، باید هر هفته به تمرین و مسابقه بپردازند. یک فصل رقابت فوتبال شامل یک یا دو مسابقه در هر هفته به همراه چندین جلسه تمرین می باشد. امروزه در برخی از لیگ های فوتبال میانگین 2/5 مسابقه در هفته اجرا می شود. گاهی اوقات در تورنمنت های فوتبال، بازی ها به فاصله 48 ساعت برگزار می شود (6). این تراکم تمرینی / مسابقه ای و فقدان بازیافت کافی ممکن است فشار زیادی به سیستم ایمنی و عضلانی بازیکنان وارد کرده و منجر به ایجاد التهاب (Inflammation) شود (7، 8).

از طرفی تحقیقات اندکی روی پاسخ های التهابی سلول در فوتبال وجود دارد. بسیاری از محققین افزایش در شمار لکوسیت های گردش خون که عمدتاً ناشی از افزایش سلول های نوتروفیلی می باشد را به دنبال یک مسابقه فوتبال در بازیکنان مرد گزارش کرده اند (6-8). سه مطالعه اخیر پاسخ سایتوکاینی را در مردان فوتبالیست بعد از مسابقه فوتبال بررسی کرده اند. در اولین تحقیق، Ispirlidis و همکاران نشان دادند که بلافاصله بعد از یک مسابقه مجزای فوتبال سطوح IL-6 و IL-1b افزایش می یابد (9). در تحقیق دوم، Bishop و همکاران گزارش کردند که سطوح IL-6 و $TNF-\alpha$ بدنبال پروتکل تناوبی ویژه فوتبال افزایش داشت (10، 11) و تحقیق سوم، Rowsell و همکاران نشان داد که پس از چهار بازی متوالی فوتبال سطوح IL-6، IL-1b و IL-10 در بازیکنان جوان فوتبال تغییر نکرد (12). در مجموع مشخص شده که فوتبال نیازمند تولید نیروهای برون گرای زیادی می باشد که با آسیب عضلانی همراه است و به صورت درد عضلانی در روزهای پس از تمرین و مسابقه خود را نشان می دهد (12، 11، 9، 8). آسیب عضلانی عمدتاً ناشی از فشار مکانیکی، اختلال در هموستازیس کلسیم و ناراحتی عضلانی است که توسط ورزشکار تجربه می شود. شدت این ناراحتی تا 24 ساعت اول پس از فعالیت افزایش می یابد و بین 24 تا 72 ساعت به اوج خود می رسد و سپس کاهش یافته و 5 تا 7 روز پس از فعالیت کاملاً ناپدید می شود این پدیده کوفتگی عضلانی تأخیری (DOMS) نامیده می شود (13، 12) آسیب عضلانی ناشی از فوتبال نیز با پاسخ التهابی فاز حاد مرتبط است که این فاز با فیلتراسیون فاگوسیتی در عضله، تولید

جهت تعیین انرژی مصرفی با استفاده از ثبت 24 ساعته غذایی در ابتدا، میانه و انتهای دوره جمع آوری و با نرم افزار Nutritionist آنالیز شد. از آنجا که اندازه گیری متغیرهای تحقیق در مسابقه واقعی فوتبال امکان پذیر نبود، آزمودنی‌های تجربی در این دوره علاوه بر دریافت مکمل و دارونما، در روزهای دهم، دوازدهم و چهاردهم در ساعت 16-18 عصر در زمین چمن فوتبال به اجرای پروتکل ورزشی مشابه فوتبال پرداختند. این پروتکل شامل دو دوره 45 دقیقه ای فعالیت تناوبی می‌باشد که توسط Bangsbo با الگوی فعالیت یک مسابقه فوتبال شبیه سازی شده است که توسط Bishop تغییراتی در آن داده شد (23). نیمرخ فعالیت این آزمون مشابه الگوهای بازیکنان حرفه ای شامل: ایستادن، راه رفتن، دویدن با سرعت زیر بیشینه و دویدن با سرعت زیاد می‌باشد. این پروتکل شامل دو دوره 45 دقیقه ای فعالیت است که یک فاصله استراحت 15 دقیقه‌ای در بین آنها قرار دارد. هر 45 دقیقه به مراحل دیگری تقسیم می‌شود. این مراحل شامل 7 مدار آزمون 2 دقیقه ای است؛ شامل: 50 متر دربیبل توپ در بین مخروط‌هایی که 5 متر از یکدیگر فاصله دارند، 50 متر دویدن به سمت عقب، 25 متر دویدن زیربیشینه و 25 متر دویدن با حداکثر سرعت و 50 متر قدم زدن. زمان باقیمانده در پایان هر مدار آزمون 2 دقیقه‌ای، به عنوان دوره استراحت محاسبه می‌شود. مسافت کلی پیموده شده در طی 90 دقیقه این آزمون تقریباً 10 کیلومتر است که مشابه مقادیر گزارش شده به وسیله بازیکنان دسته برتر انگلیس می‌باشد (23). به منظور اندازه گیری متغیرهای وابسته از آزمودنی‌ها در شش مرحله (48 ساعت قبل از شروع دوره، قبل و بلافاصله بعد از اجرای پروتکل ورزشی اول، قبل و بلافاصله بعد از اجرای پروتکل ورزشی سوم و 48 ساعت بعد از پایان دوره) خون‌گیری به عمل آمد. در هر مرحله 5 سی سی خون از ورید قدامی ساعد در وضعیت نشسته از آزمودنی‌های گرفته شد و به دو لوله جداگانه تقسیم شد. 1 سی سی به لوله حاوی پودر EDTA برای انجام تست CBC و 4 سی سی به لوله لخته منتقل شد. لوله لخته بلافاصله در دستگاه سانتریفیوژ به مدت 10 دقیقه سرم‌گیری شد. سرم جدا شده از نمونه‌ها جهت تجزیه و تحلیل‌های بعدی در فریز نگه داری شدند. کلیه آزمایش‌ها در آزمایشگاه تخصصی مرکز غدد دانشگاه شهید بهشتی تهران انجام گردید.

برای اندازه‌گیری تغییرات حجم پلاسمای آزمودنی‌ها از معادله Dill & Costill استفاده شد (24). میزان IL-6 و TNF- α نمونه‌های سرمی با استفاده از کیت الایزا محصول

مصرف کوتاه مدت یا بلند مدت مکمل تورین بر تغییرات سایتوکاین‌ها در بازیکنان فوتبال مشخص نشده است. از این رو در این زمینه کمبود دانش و آگاهی وجود دارد، لذا این تحقیق با هدف بررسی تأثیر مصرف مکمل تورین به همراه سه بار اجرای فعالیت تناوبی شدید ویژه فوتبال در یک هفته بر پاسخ سایتوکاینی بازیکنان مرد فوتبال انجام شد.

• مواد و روش‌ها

در این مطالعه، روش تحقیق از نوع نیمه تجربی و طرح تحقیق از نوع پیش آزمون - پس آزمون با اندازه گیری‌های مکرر است. جامعه آماری تحقیق شامل بازیکنان فوتبال دسته اول امیدهای تهران می‌باشد که بیست و چهار بازیکن یکی از تیم‌های برتر این دسته به صورت نمونه‌گیری در دسترس به عنوان آزمودنی انتخاب شدند. قبل از انجام پژوهش بازیکنان از نحوه انجام آزمون‌ها، مراحل تحقیق و اهداف آن آگاه شدند و رضایت نامه کتبی توسط همه آنها امضاء شد. از طریق پرسشنامه پیشینه پزشکی وضعیت آنها بررسی و آنها هیچ گونه علائم بروز عفونت، بیماری‌های التهابی و یا درمان دارویی تأثیرگذاری را 4 هفته قبل از شرکت در این مطالعه گزارش نکردند.

سپس با توجه به روش تحقیق، آزمودنی‌ها به صورت تصادفی و به تعداد مساوی به 3 گروه شامل: گروه مصرف تورین (TG)، گروه مصرف دارونما (PG) و گروه کنترل (CG) تقسیم شدند. فعالیت جسمانی آزمودنی‌ها در گروه‌های مختلف در هفته اول شامل تمرینات تکنیکی و تاکتیکی سبک همیشگی آنان بود اما در هفته دوم گروه‌های تجربی فقط به انجام 3 بار پروتکل ویژه فوتبال پرداخته و گروه کنترل همچنان فعالیت عادی خود را پیگیری می‌کردند. برای اندازه گیری حداکثر اکسیژن مصرفی (Vo_{2max}) آزمودنی‌ها، دو هفته قبل از اجرای دوره؛ از آزمون هاف و هیلگرود استفاده گردید (20). شاخص توده بدن (BMI) آزمودنی‌ها، از تقسیم وزن بدن (برحسب کیلوگرم) بر مجذور قد (برحسب متر) محاسبه شد. در طول دوره دو هفته ای از طرح تحقیق، آزمودنی‌های تجربی در هر روز در گروه دارونما سه وعده 1/5 گرمی قند اسپارتام (به دلیل کالری کم و عدم تأثیر در ترشح سایتوکاین‌های مذکور) و در گروه تورین سه وعده 1/5 گرمی مکمل تورین (معادل 4500 میلی گرم در روز) را به صورت کپسول خوراکی، قبل از سه وعده غذایی اصلی دریافت می‌کردند (21، 22). گروه کنترل تحت دریافت مکمل و فعالیت ورزشی قرار نداشت و رژیم غذایی و تمرینی عادی خود را دنبال می‌کرد. اطلاعات مربوط به رژیم غذایی آزمودنی‌ها

قد (سانتی متر)، شاخص توده بدن (کیلوگرم بر متر مربع) و حداکثر اکسیژن مصرفی (به ازای هر کیلو گرم از وزن بدن در دقیقه) به صورت $\text{Mean} \pm \text{SED}$ در جدول 1 ارائه شده است.

توصیف مقادیر IL-6 و TNF- α سرم بازیکنان فوتبال در مراحل مختلف: مقادیر IL-6 و TNF- α سرم بازیکنان فوتبال به صورت $\text{Mean} \pm \text{SED}$ در شش مرحله اندازه گیری در جدول 2 نشان داده شده است.

مقایسه میانگین های قبل با بلافاصله بعد از انجام فعالیت تناوبی ویژه فوتبال در گروه های مختلف: همانطور که در جدول 2 مشاهده می شود نتایج آزمون t وابسته نشان داد که بلافاصله بعد از انجام فعالیت تناوبی شدید ویژه فوتبال، مقادیر IL-6 و TNF- α سرم بازیکنان فوتبال نسبت به قبل از اجرا تفاوت معنی دار داشت. بدین ترتیب که در گروه PG مقادیر IL-6 پس از اولین ($P=0/003$) و سومین ($P=0/026$) و مقادیر TNF- α پس از سومین ($P=0/002$) جلسه فعالیت ورزشی تناوبی؛ افزایش معنی دار پیدا کرده است.

شرکت بوستر امریکا با روش ایمنوسوربنت متصل به آنزیم در شکل ساندویچی مورد سنجش قرار گرفت. حساسیت کیت IL-6 حدود $0/3 \text{ pg/ml}$ و کیت TNF- α حدود 1 pg/ml بود. برای طبقه بندی و توصیف داده های خام برای هر متغیر از آمار توصیفی استفاده شد. برای مقایسه اختلاف میانگین های هر گروه در مراحل مختلف اندازه گیری نسبت به روز اول از آزمون t وابسته و از آزمون تحلیل واریانس یک طرفه و آزمون تعقیبی توکی برای مقایسه میانگین متغیرهای اندازه گیری شده در هر مرحله و مشخص نمودن تفاوت معنی داری بین سه گروه استفاده شد. برای بررسی تفاوت معنی داری در هر متغیر در شش مرحله اندازه گیری نیز از آزمون آنالیز واریانس یک طرفه با اندازه گیری های مکرر (با در نظر گرفتن فاکتور مستقل گروه و فاکتور مستقل زمان) و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد. عملیات آماری پژوهش به وسیله نرم افزار SPSS نسخه 17 انجام شد و سطح معنی داری آزمون ها $\alpha < 0/05$ در نظر گرفته شد.

• یافته ها

توصیف ویژگی های آنترپومتریکی و فیزیولوژیکی آزمودنی ها: اطلاعات مربوط به سن (سال)، وزن (کیلوگرم)،

جدول 1. برخی ویژگی های فردی آزمودنی ها در گروه های مختلف

شاخص	گروه کنترل (CG)	گروه دارونما (PG)	گروه تورین (TG)
سن (years)	$19/54 \pm 0/51$	$19/41 \pm 0/52$	$19/74 \pm 0/49$
وزن (kg)	$66/33 \pm 6/53$	$64/83 \pm 6/11$	$62/83 \pm 3/43$
قد (cm)	$178/00 \pm 6/53$	$175/00 \pm 5/21$	$171/33 \pm 5/27$
BMI (kg/m^2)	$19/96 \pm 0/30$	$20/10 \pm 0/48$	$21/08 \pm 0/81$
Vo_2max (ml/kg.min^{-1})	$55/23 \pm 2/51$	$58/21 \pm 3/01$	$60/01 \pm 4/40$

جدول 2. مقادیر IL-6 و TNF- α سرم بازیکنان فوتبال در مراحل مختلف

متغیر	گروه	مرحله 1	مرحله 2	مرحله 3	مرحله 4	مرحله 5	مرحله 6
IL-6 (Pg/ml)	گروه کنترل	$1/38 \pm 0/91$	$1/17 \pm 0/570^a$	$1/36 \pm 0/63^a$	$1/14 \pm 0/43^a$	$1/16 \pm 0/78^a$	$0/98 \pm 0/50$
	گروه دارونما	$1/92 \pm 2/05$	$1/48 \pm 1/339^a$	$4/40 \pm 2/32^b$	$1/70 \pm 0/88^a$	$4/1 \pm 2/31^b$	$2/650 \pm 1/95$
	گروه تورین	$1/43 \pm 1/07$	$0/91 \pm 0/55^a$	$1/15 \pm 0/56^a$	$1/91 \pm 0/23^a$	$1/35 \pm 0/98^a$	$1/05 \pm 0/66$
	P	0/235	0/383	0/002	0/320	0/003	0/086
TNF- α (Pg/ml)	گروه کنترل	$2/22 \pm 0/47$	$2/45 \pm 0/87^a$	$1/93 \pm 0/14^a$	$2/67 \pm 0/72^a$	$2/56 \pm 0/87^a$	$2/35 \pm 0/41$
	گروه دارونما	$3/59 \pm 0/50$	$3/15 \pm 1/43^a$	$3/68 \pm 1/38^a$	$2/37 \pm 0/65^a$	$4/99 \pm 1/15^b$	$1/83 \pm 0/34$
	گروه تورین	$3/55 \pm 0/36$	$3/14 \pm 1/50^a$	$2/42 \pm 1/42^a$	$2/71 \pm 0/74^a$	$2/87 \pm 1/18^a$	$2/33 \pm 0/72$
	P	0/277	0/527	0/030	0/421	0/002	0/044

حروف متفاوت در هر ردیف نشان دهنده تفاوت معنی دار 0/05 است (مقایسه بین گروه مراحل 2 و 3 و نیز 4 و 5 بررسی شده است).

($P=0/003$) و گروه TG با PG ($P=0/010$) تفاوت معنی‌داری پیدا کرده است.

مقایسه مقادیر IL-6 و TNF- α سرم بازیکنان فوتبال در مراحل شش‌گانه اندازه‌گیری و گروه‌های کنترل، دارونما و تورین: همانطور که در جدول 3 مشاهده می‌شود، ارزش P محاسبه شده از آزمون واریانس یک طرفه با اندازه‌گیری‌های مکرر، تفاوت معنی‌داری بین مصرف مکمل تورین با غلظت سرمی IL-6 و TNF- α ناشی از سه جلسه فعالیت تناوبی ویژه فوتبال نشان داد. لذا نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که غلظت سرمی IL-6 و TNF- α در گروه کنترل و دارونما به ترتیب با ($P=0/043$) و ($P=0/008$) تفاوت معنی‌داری پیدا کرده است.

مقایسه بین گروهی مقادیر IL-6 و TNF- α سرم بازیکنان فوتبال در مراحل مختلف: همان‌طور که در جدول 2 مشاهده می‌شود نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه نشان داد که غلظت IL-6 و TNF- α سرم در مرحله 3 و مرحله 5 تفاوت معنی‌داری ($P \leq 0/05$ و $P \leq 0/01$) در بین گروه‌ها پیدا کرده است و نتایج آزمون تعقیبی توکی نشان داد که مقادیر IL-6 سرم در مرحله 3 (روز دهم، پس از اجرای اولین جلسه فعالیت تناوبی ورزشی) بین گروه PG با CG ($P=0/006$) و گروه TG با PG ($P=0/003$) و در مرحله 5 (روز چهاردهم، پس از اجرای سومین جلسه فعالیت تناوبی ورزشی) نیز بین گروه PG با CG ($P=0/012$) و گروه TG با PG ($P=0/02$) و مقادیر TNF- α در مرحله 3 (روز دهم) بین گروه PG با CG ($P=0/021$) تفاوت معنی‌داری وجود داشت. همچنین در مرحله 5 (روز چهاردهم) نیز بین گروه PG با CG

جدول 3. نتایج آزمون آنالیز واریانس یک طرفه با اندازه‌گیری‌های مکرر برای مقایسه مقادیر IL-6 و TNF- α سرم در مراحل و گروه‌های مختلف

متغیر	منبع	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	ارزش F	ارزش P
IL-6 (Pg/ml)	گروه	72/628	3	24/227	3/678	0/029*
TNF- α (Pg/ml)		18/893	3	6/298	4/805	0/013*

* معنی‌داری با $P \leq 0/05$

• بحث

Andersson, Bishop, Shirvani, Ispirlidis, Ascensão و Ostrowski همخوانی دارد (23، 14، 9، 8، 6) و با نتایج Ekblom & Malm و Athanasios، Andersson ندارد (26، 27). از دلایل همخوانی می‌توان به افزایش قابل توجه IL-6 بعد از فعالیت ورزشی سنگین که در تحقیقات گوناگون گزارش شده، اشاره کرد به طوری که Nieman و همکاران نشان دادند تنها بعد از شش دقیقه فعالیت ورزشی شدید، سطح IL-6 پلاسما به میزان 2 برابر افزایش پیدا می‌کند (25). از طرفی Ostrowski و همکاران نیز نشان دادند که افزایش سطوح IL-6 خون از دقیقه 30 به بعد در هنگام دویدن روی تردمیل شروع به افزایش می‌کند و بعد از 2/5 ساعت به اوج خود می‌رسد (26). برخی دیگر از تحقیقات نشان داده‌اند که سطح IL-6 بلافاصله بعد از فعالیت ورزشی افزایش می‌یابد و بعد از آن سریعاً کاهش می‌یابد (25، 12). در مطالعه‌ای دیگر، Ostrowski و همکاران دریافتند که بلافاصله بعد از 3 تا 3/5 ساعت دوی ماراتون سطوح IL-6 تا 100 برابر افزایش نشان می‌دهد. از این رو آنها پیشنهاد کردند که بین

نتایج تحقیق حاضر در راستای تعیین تاثیر مکمل سازی 14 روزه تورین بر سطوح سرمی IL-6 و TNF- α (سایتوکاین‌های التهابی) در بازیکنان نخبه زیر 21 سال فوتبال نشان داد که الگوی تغییرات این سایتوکاین‌ها در گروه‌های مختلف کنترل، دارونما و مکمل تورین بدنبال اجرای 3 بار پروتکل 90 دقیقه‌ای شدید شبه فوتبالی (با فاصله 48 ساعت از هم) متفاوت است. به طوری که بلافاصله پس از اجرای اولین و سومین پروتکل 90 دقیقه‌ای مقادیر IL-6 در گروه دارونما افزایش قابل ملاحظه‌ای پیدا کرده است که این افزایش در گروه کنترل و مکمل تورین معنی‌دار نیست. همچنین مقادیر TNF- α نیز بلافاصله پس از اجرای سومین پروتکل 90 دقیقه‌ای در گروه دارونما افزایش معنی‌دار نشان داده است (جدول 2). بنابراین نتایج این مطالعه در دو بخش قابل بحث و بررسی می‌باشند. یک بخش مربوط به ماهیت، شدت و مدت این فعالیت ورزشی 90 دقیقه‌ای می‌باشد که از نظر الگوهای حرکتی و فشار فیزیولوژیکی مشابه بازی فوتبال شبیه‌سازی شده است. در این زمینه نتایج تحقیق حاضر با یافته‌های

Andersson و همکاران نیز به دنبال دو مسابقه متوالی با فاصله 72 ساعت در زنان فوتبالیست دریافتند که سایتوکاین های التهاب زا (IL-12, TNF- α , IFN- γ , IL-17)، شیموکاین ها (MCP-1, IL-8) و منوکاین های ایجاد شده توسط اینترفرون گاما (MIG) و سایتوکاین های ضد التهابی (IL-2R, IL-4, IL-6) بعد از اولین و دومین بازی (15-20 دقیقه) افزایش معنی دار داشته اند و همچنین سطوح لکوسیت ها و سایتوکاین ها تا 21 ساعت بعد از بازی به سطح اولیه خود رسیدند و ریکاوری فعال (فعالیت ورزشی با شدت پایین) تأثیری در پاسخ سایتوکاین ها نداشت. بعد از دومین بازی پاسخ سایتوکاین ها فرو نشست و فقط IL-6, MCP-1, IL-8 و MIG افزایش معنی دار داشتند. بطور کلی آنها عنوان کردند که پاسخ سایتوکاین های ضد التهابی و پیش التهابی بعد از اولین بازی فوتبال قابل توجه است اما بعد از دومین بازی این پاسخ قابل توجه نیست بنابراین می توان گفت که افت کامل سایتوکاین ها در پاسخ به دومین مسابقه به وقوع نمی پیوندد (33, 28). بنابراین ممکن است توالی اجرای 3 جلسه فعالیت تناوبی شدید 90 دقیقه ای و عدم ریکاوری کافی در بین آنها امکان راه اندازی پاسخ های ایمنی و التهابی در بافت های عضلانی آسیب دیده را ایجاد نماید، هرچند مشخص شده نفوذ پیاپی نوتروفیل ها و ماکروفاژها به بافت عضلانی آسیب دیده در طول 6 تا 48 ساعت پس از ورزش اتفاق می افتد و ماکروفاژهای فعال به عنوان بخشی از پاسخ التهابی، IL-6 رها می کنند (33, 32). از طرفی برخی اعتقاد دارند که اجزاء خرد شده پروتئین که از عضلات آسیب دیده آزاد می شود با گلبول های سفید و سایر سلول ها (مانند فیبروبلاست ها) بر خورد کرده، منجر به رهائش سایتوکاین ها می شوند در حالی که برخی دیگر عنوان کرده اند که افزایش دمای بدن باعث رهائش کاتکولامین ها شده که این هورمون ها با فراخوانی و فعال سازی سلول های ایمنی به صورت غیر مستقیم در آزاد سازی سایتوکاین هایی از قبیل IL-6 و TNF- α در حین و پس از ورزش شرکت می کنند (۳۱، ۳۳). سطح آمادگی جسمانی ورزشکاران نیز در میزان ترشح سایتوکاین ها دخیل می باشد. از آنجا که بازیکنان فوتبال در این تحقیق از میزان آمادگی بالایی برخوردار بودند می تواند جزء موارد ناهمخوانی با نتایج سایر تحقیقات باشد چرا که برخی محققان نشان داده اند که فعالیت ورزشی منظم موجب کاهش تولید این سایتوکاین ها می شود (35, 34). در همین راستا Andersson و همکاران نشان داده بودند که سازگاری بلند مدت با تمرین و مسابقه فوتبال تولید

شدت فعالیت ورزشی و افزایش سطح IL-6 پلاسما ارتباط وجود دارد (27). در ارزیابی ها مشخص شده که IL-6 به عنوان یک سایتوکاین ترکیبی به میزان بیشتری نسبت به سایر سایتوکاین ها به فعالیت ورزشی پاسخ می دهد و معلوم شده که از عضلات اسکلتی در حال انقباض تولید می شود. از طرفی تحقیقات عنوان کرده اند که تغییرات سایتوکاین های دیگر مانند TNF- α در اثر فعالیت های جسمانی و ورزش ممکن است تحت الشعاع تولید IL-6 قرار گیرد (25, 3, 2). این احتمال نیز وجود دارد که پیدایش IL-6 در گردش خون با آسیب های ساختاری بافت عضلانی مرتبط باشد (27-25)، در حالی که تحقیقات جدید به وضوح نشان داده اند که حتی انقباض عضلانی بدون هیچ گونه آسیبی در بافت عضلانی باز هم منجر به افزایش قابل توجه سطوح IL-6 پلاسمایی می شود (28). این افزایش علاوه بر مدت و مدل فعالیت ورزشی به پاسخ سمپاتو- آدرنال نیز وابسته است (29). بنابراین احتمال وجود دارد که این پروتکل تمرینی به دلیل نیمرخ حرکتی شبه فوتبالی خود باعث ایجاد انقباضات برون گرای مکرر و در نتیجه آسیب های ریز بافتی در عضلات اسکلتی شده باشد و یا این که مدت زمان این پروتکل منجر به ایجاد پاسخ مذکور شده است.

تحقیقات بر روی مدل های حیوانی نشان داده اند که افزایش اپی نفرین در هنگام استرس مسئول افزایش IL-6 است (30). بنابراین به نظر می رسد که اپی نفرین در افزایش ناشی از ورزش IL-6 پلاسمایی نقش اصلی را بازی می کند. به نظر می رسد که مدت زمان 90 دقیقه ای این فعالیت ورزشی شدید می تواند بستری را برای افزایش فزاینده ترشح اپی نفرین که وابسته به مدت زمان فعالیت ورزشی است را فراهم کرده باشد. احتمال دیگر این که این پروتکل ممکن است میزان لاکتات عضلات و خون را افزایش دهد، این در حالی است تحقیقات پیشین در حین ورزش بین اوج IL-6 پلاسمایی با اوج لاکتات پلاسمایی ارتباط تنگاتنگ یافته اند (31).

برخی تحقیقات تغییرات IL-6 و TNF- α را به سیستم ایمنی نسبت می دهند و اعتقاد بر این است این سایتوکاین ها پاسخ های مختلفی از سلول های شرکت کننده در ایمنی و التهاب را تحریک می کنند (32). بطور نمونه Ispirlidis و همکاران نشان دادند که بلافاصله بعد از یک مسابقه فوتبال شمار لکوسیت ها و سایتوکاین ها (IL-6, IL-1b) و کورتیزول پلاسمایی افزایش معنی دار می یابد اما این تغییرات 24 تا 72 ساعت پس از مسابقه به سطوح پایه باز می گردند (33).

فعال سازی برخی ماکروفاژها می تواند تشکیل $TNF-\alpha$ و لیبو پلی ساکاریدهای ناشی از تولید نیتریک اکساید (NO) را مهار کند و تشکیل آنیون سوپراکسید (O_2^-) و سایتوکاین های التهابزا از قبیل IL-6 و IL-8 را که در سلول های سفید خون فعال شده و نیز رونویسی از ژن این سایتوکاین ها را مهار کند (39) و همچنین فعال سازی فاکتور هسته ای کاپای بتا NF- κ B (به عنوان مبدل بالقوه سایتوکاین های التهابی) و فعال کننده پروتئینی یک (AP-1) را مهار می سازد (39، 17، 15). تحقیقات همچنین نشان داده اند که القای تورین به ماکروفاژهای فعال در شرایط لوله آزمایش باعث مهار تولید اینترلوکین-6، پروستاگلاندین E_4 ، $TNF-\alpha$ و NO می شود و در نتیجه پاسخ التهابی را تعدیل می کند (40). گزارش شده که در آرتریت خود ایمنی بواسطه سلول T، تورین-کلروآمین از طریق تنظیم کاهش در تولید واسطه های التهابی از قبیل رادیکال های آزاد اکسیژن (ROS) می تواند فراخوانی پاسخ ایمنی/التهابی را تعدیل کند (41).

همچنین یافته های قبلی نشان داده بود که مسابقه رقابتی فوتبال می تواند محور هیپوتالاموس-هیپوفیز-آدرنال (HPA) را تحریک و با ترشح هورمون های استرسی مانند کورتیزول و اپی نفرین بر بازه رهایش سایتوکاین ها تأثیرگذار باشد (30، 28) لذا این احتمال نیز وجود دارد که تورین بتواند تولیدات محور HPA و رهایش کورتیزول در حین ورزش را تعدیل و بطور غیر مستقیم در تغییرات IL-6 و $TNF-\alpha$ نقش داشته باشد (40). از طرفی در بخش اول عنوان کردیم که تحقیقات پیش تر نشان داده اند که در فعالیت های ورزشی تناوبی شدید مانند فوتبال بین ترشح میزان لاکتات و اوج IL-6 پلاسمایی ارتباط وجود دارد (31)، پس این فرضیه مطرح می شود که آیا ممکن است تورین به عنوان یک آمینو اسید در خون و عضلات اسکلتی نقش تامپون داشته باشد و در حین ورزش بتواند بخشی از اسید لاکتیک تولید شده در عضلات و خون را خنثی نماید؟ البته برای پاسخ به این فرضیه به تحقیقات بیشتری در آینده نیاز داریم.

به طور کلی می توان نتیجه گرفت که اولاً اجرای سه جلسه متوالی فعالیت تناوبی ویژه فوتبال در یک هفته پاسخ التهابی قابل توجهی از طریق اندازه گیری سایتوکاین های التهابزا در مراحل زمانی مختلف بر جای گذاشته است و ثانیاً مکمل سازی تورین با محدود کردن پاسخ های التهابی نسبت به فعالیت تناوبی نسبتاً شدید ویژه فوتبال می تواند مفید باشد از این رو می توان به عنوان نتایج کاربردی تحقیق به بازیکنان فوتبال و مربیان توصیه کرد که 1- در دوره های پر فشار تمرین و

IL-6 و $TNF-\alpha$ از لکوسیت ها را دچار تنظیم کاهشی می کند (35، 29، 28). بنابراین از آنجا که مشخص شده مسابقه رقابتی فوتبال، فعال کننده قوی دستگاه عصبی مرکزی است و با تحریک مراکز درون ریز مغز و ساز و کارهای متابولیکی در گردش خون همراه می باشد (34)، از این رو ممکن است در تنظیم غلظت چندین هورمون تنظیم کننده ایمنی دخیل باشد به نحوی که افزایش یا کاهش سیستمیک این هورمون ها بر بازه تولید سایتوکاین هایی از قبیل $TNF-\alpha$ و IL-6 تأثیر گذار باشد (35). یافته های تحقیقات دیگر نیز نشان می دهد که تولید $TNF-\alpha$ و بیان ژنی آن توسط ورزش های با شدت متوسط تغییر نمی کند ولی به دنبال ورزش های شدیدتر و طولانی تر به طور گذرا مهار می شود (35، 33).

بخش دوم بررسی نتایج تحقیق حاضر در ارتباط با ویژگی های ضد اکسایشی و ضد التهابی تورین می باشد. با مقایسه میانگین های مقادیر IL-6 و $TNF-\alpha$ سرم در مراحل و گروه های مختلف مشخص شد که در گروه کنترل و پلاسیبو سطوح این سایتوکاین ها تفاوت معنی دار پیدا کرده است، یعنی غلظت این سایتوکاین ها در پاسخ به سه جلسه فعالیت تناوبی مشابه فوتبال به افزایش معنی دار رسیده است. این نشان می دهد که مصرف مکمل تورین از ایجاد تغییرات قابل توجه در سطح سرمی IL-6 و $TNF-\alpha$ به دنبال سه جلسه فعالیت ورزشی تناوبی ویژه فوتبال جلوگیری کرده است. این یافته بر نقش ضد التهابی تورین صحنه می گذارد (36، 16، 15).

از طرفی نتایج تحقیق حاضر نشان داد که تغییر معنی داری در سطح IL-6 و $TNF-\alpha$ سرم در مراحل تحقیق بین گروه های کنترل و تورین مشاهده نشد. این می تواند به شدت این نوع فعالیت یا به دلیل نقش بازدارندگی تورین در تولید سایتوکاین التهابزا از قبیل IL-6 و $TNF-\alpha$ باشد.

تورین می تواند به طور مستقیم با اسید هیپوکلروس (Hypochlorous Acid) متصل شود، اسید هیپوکلروسی که به عنوان یک مولکول واکنش پذیر در نوتروفیل ها و منوسیت های پستانداران به وسیله آنزیم هیپوپراکسیداز (Myeloperoxidase Enzyme) تولید می شود و در نهایت به شکل تورین - کلروآمین (Tau-Cl) در آید. این ترکیب که پایداری بیشتر و زهر آگینی کمتری دارد (37)، داده های آزمایشگاهی نشان می دهند که Tau-Cl همچنین یک تعدیل کننده قوی سیستم ایمنی/التهابی می باشد. نشان داده شده است که Tau-Cl تولید واسطه های پیش التهابی را در لکوسیت ها انسان و جوند - هردو- دچار تنظیم کاهشی می کند (38). همچنین نشان داده شده که Tau-Cl به وسیله

می توان تا حدود زیادی در جهت شناسایی پاسخ های ایمنی / التهابی مربوط به مسابقه فوتبال استفاده کرد.

مسابقه می توانند برای کاهش پاسخ های التهابی از اسید آمینه تورین به شکل مکمل یا در ترکیب نوشیدنی ها استفاده نمایند 2- در نظر گرفتن ریکاوری کافی بین جلسات تمرین و مسابقه برای بازیکنان نخبه الزامی است 3- از این پروتکل ویژه فوتبال

• References

- Pedersen BK, Exercise and cytokines. *Immunol Cell Biol* 2000; 78: 532-35.
- Pedersen BK, Steensberg A, Schjerling P. Muscle-derived interleukin-6: possible biological effects. *J. Physiol* 2001; 536: 329-37.
- Pedersen BK, Steensberg A, Schjerling P. Exercise and interleukin-6. *Curr Opin Hematol* 2001; 8: 137-41.
- Steensberg A, Fischer CP, Keller C, Moller K, Pedersen BK. IL-6 enhances plasma IL-1ra, IL- 10, and cortisol in humans. *Am J Physiol Endocrinol Metab* 2003; 285: E433-E437.
- Nieman DC, Henson DA, Smith LL, Utter AC, Vinci DM, Davis JM, et al. Cytokine changes after a marathon race. *J Appl Physiol* 2001; 91: 109-14.
- Shirvani H, Ghahreman Tabrizi K, Sobhani V. Effects of high intensity intermittent exercise on serum Immunoglobulin's and Complement system response in youth soccer players. *J Birjand Univ Med Sci* 2013; 20: 233-43 [in Persian].
- Silva JR, Magalhães J, Ascensão A, Seabra AF, Rebelo AN. Training status and match activity of professional soccer players throughout a season. *J Strength Cond Res* 2013; 27: 20-30.
- Ascensao A, Rebelo A, Oliveira E, Marques F, Pereira L, Magalhaes J. Biochemical impact of a soccer match - analysis of oxidative stress and muscle damage markers throughout recovery. *Clin. Biochem* 2008; 41: 841-51
- Ispirlidis I, Fatouros IG, Jamurtas AZ, Nikolaidis MG, Michailidis I, Douroudos I, et al. Time-course of changes in inflammatory and performance responses following a soccer game. *Clin J Sport Med* 2008; 18:423-31.
- Gleeson M, Bishop NC, Stensel DJ, Lindley MR, Mastana SS, Nimmo MA. The anti-inflammatory effects of exercise: mechanisms and implications for the prevention and treatment of disease. *Nat Rev Immunol* 2011; 11:607-15.
- Bishop NC, Gleeson M, Nicholas CW, Ali A. Influence of carbohydrate supplementation on plasma cytokine and neutrophil degranulation responses to high intensity intermittent exercise. *Int J Sport Nutr Exerc Metab* 2002; 12: 145-56.
- Rowell GJ, Coutts AJ, Reaburn P, Hill-Haas S. Effects of cold-water immersion on physical performance between successive matches in high-performance junior male soccer players *J Sports Sci* 2009; 27:565-73.
- Fatouros IG, Chatzinikolaou A, Douroudos II, Nikolaidis MG, Kyparos A, Margonis K ,et al: Time-course of changes in oxidative stress and antioxidant status responses following a soccer game. *J Strength Cond Res* 2010; 24:3278-86.
- Andersson H, Raastad T, Nilsson J, Paulsen G, Garthe I, Kadi F. Neuromuscular fatigue and recovery in elite female soccer: effects of active recovery. *Med Sci Sports Exerc* 2008; 40:372-80.
- Silva LA, Silveira PC, Ronsani MM, Souza PS, Scheffer D, Vieira LC, et al. Taurine supplementation decreases oxidative stress in skeletal muscle after eccentric exercise. *Cell Biochem Funct* 2011; 29:43-9.
- Zhang M, Izumi I, Kagamimori S, Sokejima S, Yamagami T, Liu Z, Qi B. Role of taurine supplementation to prevent exercise-induced oxidative stress in healthy young men. *Amino Acids* 2004; 26:203-7.
- Galloway SD, Talanian JL, Shoveller AK, Heigenhauser GJ, Spriet LL. Seven days of oral taurine supplementation does not increase muscle taurine content or alter substrate metabolism during prolonged exercise in humans. *J Appl Physiol* 2008; 105:643-51.
- Van den Baar MT, Fekkes D, van den Hoogenband CR, Duivenvoorden HJ, Pepplinkhuizen L. Plasma amino acids and sports injuries. *Amino Acids* 2004; 26:71-6.
- Kingsbury KJ, Kay L, Hjelm M. Contrasting plasma free amino acid patterns in elite athletes: association with fatigue and infection. *Br J Sports Med* 1998; 32:25-32.
- Hoff J, Helgerud J. Endurance and strength training for soccer players. *Sports Med* 2004; 34:165-80.
- Beyranvand MR, Khalafi MK, Roshan VD, Choobineh S, Parsa SA, Piranfar MA. Effect of taurine supplementation on exercise capacity of patients with heart failure. *J Cardiol.* 2011; 57(3):333-7.
- Dabidi Roshan V, Choobineh S, Faramarzy M. Effects of taurine supplementation on lipid peroxidation in Wistar rats after exhaustive endurance training. *J of Olympic* 2007; 36: 99-109 [in Persian].
- Bishop NC, Blannin AK, Robson PJ, Walsh NP, Gleeson M. The effects of carbohydrate supplementation on immune responses to a soccer-specific exercise protocol. *J Sports Sci* 1999; 17:787-96.
- Dill DB, Costill DL. Calculation of percentage changes in volumes of blood, plasma, and red cells in dehydration. *J Appl Physiol* 1974; 37:247-8.
- Nieman DC, Davis JM, Henson DA, Gross SJ, Dumke CL, Utter AC, et al. Muscle cytokine mRNA changes after 2.5 h of cycling: influence of carbohydrate. *Med Sci Sports Exerc* 2005; 37:1283-90.

26. Ostrowski K, Rohde T, Asp S, Schjerling P, Pedersen BK. Pro-and anti-inflammatory cytokine balance in strenuous exercise in humans. *J Physiol* 1999 15; 515:287-91.
27. Ostrowski K, Rohde T, Zacho M, Asp S, Pedersen BK. Evidence that interleukin-6 is produced in human skeletal muscle during prolonged running. *J Physiol* 1998 1; 508:949-53.
28. Andersson H, Bøhn SK, Raastad T, Paulsen G, Blomhoff R, Kadi F. Differences in the inflammatory plasma cytokine response following two elite female soccer games separated by a 72-h recovery. *Scand J Med Sci Sports* 2010; 20:740-7.
29. Andersson H, Karlsen A, Blomhoff R, Raastad T, Kadi F. Plasma antioxidant responses and oxidative stress following soccer game in elite female players. *Scand J Med Sci Sports*. 2010; 20:600-8.
30. Souglis AG, Papapanagiotou A, Bogdanis GC, Travlos AK, Apostolidis NG, Geladas ND. Comparison of inflammatory responses to a soccer match between elite male and female players. *J Strength Cond* 2015; 29:1227-33.
31. Colahan PT, Kollias-Bakert C, Leutenegger CM, Jones JH. Does training affect mRNA transcription for cytokine production in circulating leucocytes? *Equine Vet J Suppl* 2002; 34:154-8.
32. Liburt NR, Adams AA, Betancourt A, Horohov DW, McKeever KH. Exercise-induced increases in inflammatory cytokines in muscle and blood of horses. *Equine Vet J Suppl* 2010; 38:280-8.
33. De Paola M, Visconti L, Vianello E, Mattana F, Banfi G, Corsi MM, Beghi E, Mennini T. Circulating cytokines and growth factors in professional soccer players: correlation with in vitro-induced motor neuron death. *Eur J Neurol* 2011; 18:85-92.
34. Malm C, Ekblom O, Ekblom B. Immune system alteration in response to increased physical training during a five day soccer training camp. *Int J Sports Med* 2004; 25:471-6.
35. Malm C, Ekblom O, Ekblom B. Immune system alteration in response to two consecutive soccer games. *Acta Physiol Scand* 2004; 180:143-55.
36. Grimble RF. The effects of sulfur amino acid intake on immune function in humans. *J Nutr* 2006; 136:1660S-1665S.
37. Silva LA, Silveira PC, Pinho CA, Tuon T, Dal Pizzol F, Pinho RA. N-acetylcysteine supplementation and oxidative damage and inflammatory response after eccentric exercise. *Int J Sport Nutr Exerc Metab* 2008; 18:379-88.
38. Dawson R Jr, Biasetti M, Messina S, Dominy J. The cytoprotective role of taurine in exercise-induced muscle injury. *Amino Acids* 2002; 22:309-24.
39. Goodman CA, Horvath D, Stathis C, Mori T, Croft K, Murphy RM, Hayes A. Taurine supplementation increases skeletal muscle force production and protects muscle function during and after high-frequency in vitro stimulation. *J Appl Physiol* 2009; 107:144-54.
40. Miyazaki T, Matsuzaki Y, Ikegami T, Miyakawa S, Doy M, Tanaka N, Bouscarel B. Optimal and effective oral dose of taurine to prolong exercise performance in rat. *Amino Acids* 2004; 27:291-8.
41. Ito T, Yoshikawa N, Schaffer SW, Azuma J. Tissue Taurine Depletion Alters Metabolic Response to Exercise and Reduces Running Capacity in Mice. *J Amino Acids* 2014; 2014:964680.

The Interactive Effect of Taurine Supplementation and Intensive Training Protocols on Serum Inflammatory Cytokines (IL-6 and TNF- α) levels in Elite Soccer Players

Shirvani H^{*1}, Rostamkhani F², Sobhani V³

1- **Corresponding author: Assistant Prof, Exercise Physiology Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran, Email: Shrvani122@yahoo.com*

2- *Assistant Prof, Dept. of Biology, College of Basic Sciences, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran*

3- *Assistant Prof, Exercise Physiology Research Center, Baqiyatallah University of Medical Sciences, Tehran, Iran*

Received 21 Sept, 2014

Accepted 11 Dec, 2014

Background and Objectives: Sometimes, in professional soccer, the football match is held three times in a week. Since soccer is a relatively intensive exercise that may cause inflammatory responses of the immune system, so nutritional supplements consumption could help to recover faster. This study investigated the effects of two-week Taurine supplement consumption and three sessions of 90-minute alternative intensive exercise on the serum levels inflammatory cytokines (IL-6, TNF- α) in elite soccer players.

Materials & Methods: Twenty four football players under 21 years old were selected and divided randomly into taurine, placebo and control groups. The Taurine group received 1.5 g taurine supplement 3 times daily, and the placebo group received the same amount of aspartame; both groups preformed three times of 90-minute specific soccer exercise protocol. The control group did not receive any supplement, and just followed their ordinary program. Blood samples were taken in six steps (48 h before the period, before and immediately after the first and third exercise protocols and 48 h after the end of the period). The one way ANOVA with repeated measures and Tukey's post hoc test were used to compare the means in each group.

Results: The results of each step showed that serum levels of IL-6 and TNF- α increased immediately after the exercise protocols (in steps 3 and 5). Whereas, combined study of periods and groups indicated that IL-6 level significantly increased in the control and placebo groups ($P=0/043$). Also TNF- α level showed significant difference ($P=0/013$) in the control and placebo groups ($P=0/008$).

Conclusion: It appears that the three times of 90-minute soccer specific protocol a week put pressure on the soccer players' inflammatory system that may repeat frequently in the competition season. On the other hand, the results showed that taurine supplementation has anti-inflammatory effects before and during this period, and prevents significant alterations of the mentioned cytokines. Thus, short-term taurine supplement consumption could be recommended to elite soccer players during the high pressure competition and the training weeks.

Keywords: Soccer specific protocol, Taurine supplement, Interleukin-6, Alpha tumor necrosis factor